

## چگونگی یافتن عضوهای معنا

مجموعه اندام انسانی مجموعه ای کامل است که آفرینش آن نیز دارای هدفی بزرگ و یافتن اسراری پیچیده می باشد که در خدمت همدیگر بوده و هدف معینی را دنبال می کند و در این مجموعه، سرآمدی از حساسترین قسمت وجودی می باشد و فرمانده بدن در آن جای گرفته است که مغز نام دارد و کل تشکیلات ساختاری بدن تحت فرمان اوست و این مجموعه دارای پنج حس ظاهری است که همانند پنج پنجره باز شده به سمت جهان بیرون می باشد و پیامهای لازم را به مغز رسانده و دستورات لازم صادر می شود و انسان تمامی این اعضاها احساسها و کل فعل و انفعالات ظاهری را در بُعد معنا نیز دارد و بهتر است با تلاش و انجام حرکتهای لازم، آنها را شناخته و بر آن دسترسی پیدا کند.



## نحوه شناخت عضوهای معنا

نحوه ی شناخت عضوهای معنا به این شکل می باشد که هر عضو معنا را به کنترل درآورده و از انجام کارهای منفی با آن خودداری کنید .

انسان باید از بوجود آوردن امواج منفی جلوگیری کند و این جلوگیری از امواج منفی همان مبارزه با شیطان وجود خودمی باشد به طوری که با انحراف هر عضو و با انجام عمل منفی با آن، عظمت مثبت را از وجود او خارج کرده و منفی را جایگزین آن می کنیم و هنگامی با تمام عضوها حرکت منفی می کنیم به طور کلی ما حامل قدرت شیطان بوده تمام حرکت و رفتار ما نمایشگر شیطان می باشد و در این حالت ما خود شیطان را بر وجود حاکم ساخته ایم اما در هر صورت حق بر باطل یا مثبت بر منفی پیروز است چرا که انسان هر قدر هم تولیدکننده موج منفی باشد نمی تواند کوچکترین خللی در عظمت مثبت وارد کند و فقط می تواند باعث خروج مثبت از وجود شود و آن هم در انتها به ضرر خودش می باشد چرا که نابود می شود و دیگر قادر نیست تولید موج منفی کند پس در مجموع می بینیم نابود شونده منفی است نه مثبت.



هنگامی عضوهای خود را در جهت تولید امواج مثبت حرکت می دهیم یعنی با کنترل هر عضو از ورود به حرکت منفی جلوگیری کرده و از عضو برای حرکت مثبت استفاده می کنیم تولید امواج مثبت انجام شده و با ادامه کنترل و حرکت در مثبت، تبدیل به موج مثبت شده و عضوهای ظاهر در اختیار وجودیت معنا قرار می گیرد و تبدیل به عضو معنا می شود که عضو معنا دارای قدرت حرکتی بی نهایت می باشد.

در این حالت مغز شما دارای اندیشه ی نوین شده و تفکرات شما همگی مثبت بوده و هیچگاه در پندار خود نقطه ای منفی نخواهید داشت و تمام مسائلی که بوجود می آید از دیدگاه مثبت به آن نگاه می کنید زیرا که پی به انجام و فرجام می برید یعنی چون می دانید این حرکت به ظاهر منفی در انتها به وجود آورنده مثبت است دلیلی برای منفی نگری در خود نمی یابید و چون مثبت، اندیشه می کنید حاصل نیز مثبت خواهد شد و بطور کلی انسان دانا همه عیب و ایرادها

راز خود می داند و تلاش دارد این منفی ها را در وجود خود از بین ببرد یعنی دنبال خودشناسی است و می داند با هر ترک منفی حرکتی بزرگ را در سیر معنا صورت داده است و چون پاداش هر ترک منفی را دیده است مرتب در تلاش است منفی های خود را ترک کند نه اینکه نظربردیگران داشته باشد و ایرادها را به آنها نسبت دهد در جستجو است آیا ایراد شخص متقابل را دارد یا نه و اگر دارد تلاش می کند این ایرادها را برطرف سازد.



